

# SID



سرویس های  
ویژه



سرویس ترجمه  
تخصصی



کارگاه های  
آموزشی



بلاگ  
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری  
STES



فیلم های  
آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

دوره آموزشی

کارگاه آنلاین  
بررسی مقابله ای متون (مقدماتی)

دوره آموزشی

کارگاه آنلاین  
پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

دوره آموزشی

کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو

تسلط ساسانیان بر سواحل جنوبی خلیج فارس  
(شرق و جنوب شرق شبه جزیره عربستان)  
بر اساس مدارک باستان‌شناختی به دست آمده

علیرضا خسروزاده<sup>۱</sup>

چکیده

هرچند ارتباط بین شرق و جنوب شرق عربستان با مناطق مختلف ایران پیش از دوره ساسانی به خوبی دانسته نمی‌شود و مدارک نوشتاری اندکی از این دوره باقی مانده، اما شمار فراوان مدارک باستان‌شناختی به دست آمده از این منطقه و شمار فراوان مدارک نوشتاری باقی مانده نشان می‌دهد که این ناحیه در دوره ساسانی ارتباطات بسیار نزدیکی با ایران داشته و تحت کنترل قانونی و رسمی ساسانیان بوده است.

هدف اصلی این تحقیق مطالعه مواد فرهنگی و یافته‌های باستان‌شناختی به دست آمده از محوطه‌های ساسانی سواحل جنوبی خلیج فارس (شرق و جنوب شرق شبه جزیره عربستان) است که این ارتباط نزدیک را ثابت می‌کنند. با مطالعه این مواد دانش ما از برهم‌کنش‌های بین این منطقه و سواحل شمالی خلیج فارس در این دوره بیشتر می‌شود.

از جمله مهمترین مواد فرهنگی که ارتباط تنگاتنگ بین محوطه‌های سواحل جنوبی با سواحل شمالی خلیج فارس را نشان می‌دهد، سکه، اشیای فلزی، شیشه، مهره‌ها و مهره‌های عقیق و عقیق سرخ، و معماری است که نشان دهنده ارتباط نزدیک بین سواحل جنوبی و شمالی خلیج فارس است که از شماری از محوطه‌های ساسانی شرق و جنوب شرق عربستان به دست آمده است.

بر اساس مواد فرهنگی به دست آمده از محوطه‌های ساسانی سواحل جنوبی خلیج فارس، در دوره ساسانی تمامی مناطق شرقی و جنوب‌شرقی عربستان به شکل یکپارچه تحت کنترل ساسانیان بودند و ساسانیان خود بر این مناطق نظارت کامل داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: ساسانی، شرق و جنوب شرق عربستان، خلیج فارس.

---

۱- استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه شهرکرد، akhosrowzadeh@yahoo.com

### درآمد

از نوشته‌های مورخین و جغرافی‌دانان یونانی- رومی و اسلامی همزمان یا بعد از دوره ساسانی می‌توان یک چشم‌انداز روشن از تسلط ساسانیان بر شرق و جنوب شرق عربستان تجسم کنیم (برای آگاهی از نوشته‌های این مورخین و جغرافیدانان در ارتباط با خلیج فارس و تسلط ساسانیان بر شرق و جنوب شرق عربستان بنگرید به: خسروزاده، ۱۳۹۱). ارتباطات بین سواحل شمالی و جنوبی خلیج فارس در واقع از دوره‌های بسیار قدیمی‌تر بین این نواحی وجود داشته و تا دوره ساسانیان ادامه پیدا کرده است. اگرچه تمامی فرمانروایان ساسانی برای گسترش حکومت و قدرت خود به عربستان شرقی لشگرکشی نکرده‌اند اما شواهدی از کنترل این ناحیه توسط پادشاهان ساسانی وجود دارد.

در ارتباط با حضور و تسلط ساسانیان بر سواحل جنوبی خلیج فارس باستان‌شناسانی که در این حوزه کار کرده‌اند به شکل پراکنده مطالبی ارائه داده‌اند که از جمله می‌توان به کارهای کینت (Kennet, 2004, 2007)، پاتس (Potts, 1984)، پاتس و گریب (Potts & Gribb, 1995) و هرینک (Haerinck, 1998) اشاره کرد. ولی هیچ کدام از آنها کامل و جامع نبوده و بیشتر به ارتباط تجاری حوزه جنوبی خلیج فارس با ایران دوره اشکانی و ساسانی اشاره کرده‌اند. در این مقاله به وجود این ارتباطات نزدیک بر اساس مطالعه مواد فرهنگی به دست آمده از محوطه‌های ساسانی شرق و جنوب شرق عربستان پرداخته می‌شود (نقشه ۱). از جمله مهمترین مواد فرهنگی که این ارتباطات را نشان می‌دهند می‌توان به سکه، اشیای فلزی، شیشه، مهره و مهر، و معماری اشاره کرد.

### سکه

از زمان پیروزی اردشیر اول در سال ۲۴۰ میلادی تا واگذاری آخرین پادگان پارسی زارا به ارتش پیامبر در سال ۶۳۴ میلادی تاریخ شرق عربستان همبسته و در ارتباط با ساسانیان و حکمرانان لخمی‌شان در حیره در جنوب عراق بود. علی‌رغم موقعیت کاملاً برتر ساسانیان به مدت چهار قرن بر امور خلیج فارس، تنها مدارک بسیار محدودی سکه‌شناختی از آنها در این ناحیه به دست آمده است (Potts & Gribb, 1995: 123). حتی در سواحل ایرانی خلیج فارس در محوطه‌هایی مثل سیراف به طور شگفت‌آوری تنها شماری اندک سکه ساسانی به دست آمده است (بنگرید به: Lowick, 1985).

در کل ۷۶ سکه مربوط به دوره ساسانی از کل ناحیه شرق و جنوب شرق شبه جزیره عربستان یافت شده است (جدول ۱). این سکه‌ها شامل یک گنجینه شامل ۱۸ سکه که از فجیره به دست آمده و

مربوطه به هرمز چهارم و خسرو دوم هستند (Hellyer, 1995: 25)، یک سکه منتشر نشده از قباد اول از کوش<sup>۱</sup> (Kennet, 2004)، پنج سکه رومی مربوط به قرن سوم و چهارم که از تاج<sup>۲</sup> و جبل کینزان<sup>۳</sup> به دست آمده‌اند (Howgego & Potts, 1992) و ۵۲ سکه‌ای که از محوطه‌های مختلف گزارش شده و توسط پاتس و گریب (Potts & Gribb, 1995) بحث شده‌اند و عمدتاً مربوط به پادشاهی شاپور دوم و خسرو دوم هستند که ۲۴ سکه از این مجموعه از نوشته‌های مربوط به اوایل اسلام به دست آمده است.

سکه‌های دوره ساسانی به دست آمده از شرق و جنوب شرق عربستان را می‌توان به دو زیر دوره تقسیم‌بندی نمود، یک دوره قدیم تا پایان دوره شاپور دوم (۳۹۷ پ.م) و یک دوره متأخرتر از پادشاهی قباد اول (۴۸۸ میلادی) به بعد. به استثنای یک سکه ساسانی مربوط به یزدگرد دوم (۴۵۷-۴۳۸ میلادی) که از جبل کینزان به دست آمده هیچ سکه‌ای از این دوره کم و بیش ۱۰۰ ساله وجود ندارد. از ۴۴ سکه مربوط به دوره متأخر، تقریباً سه تا مربوط به گنجینه است، در حالیکه از ۳۱ سکه مربوط به دوره اولیه که شامل سکه‌های رومی است هیچکدام از گنجینه به دست نیامدند. تمامی گنجینه‌ها به اوایل دوره اسلامی تاریخ‌گذاری شده‌اند، به استثنای گنجینه فُجیره. همان‌گونه که اشاره شد این گنجینه ترکیبی از سکه‌های هرمز چهارم و خسرو دوم است که ترکیبی کاملاً مشابه به گنجینه‌های مربوط به اوایل اسلام تاروت، الخوبار<sup>۴</sup> و سینا دارند و ممکن است در اوایل دوره اسلامی دفن شده باشند (Kennet, 2007).

گوبل افزایش شدید سکه‌های دوره شاپور دوم را در ارتباط با استخدام سواران جنگجوی آسیای مرکزی و پرداخت پول به آنها برای جنگ مقابل روم تفسیر کرده است (به نقل از: Potts & Gribb 1995: 138). اگر نظر او درست باشد، وجود شمار زیادی سکه مربوط به شاپور دوم در شرق عربستان، که عمدتاً مربوط به بخش آخر سلطنت اوست، شاید نشان‌دهنده افزایش ضرب سکه‌های

۱- تپه باستانی کوش (Kush) در ناحیه شمال رأس الخیمه، تقریباً در ۷۰ کیلومتری جنوب تنگه هرمز قرار گرفته است (Kennet, 1997: 284).

۲- تاج (Thaj) یکی از مهم‌ترین محوطه‌های مربوط به دوره اشکانی در شرق عربستان سعودی است. این محوطه در وادی المیاه (Wadi al-Miyah)، در ۹۰ کیلومتری بندر الجبیل در ساحل خلیج فارس قرار گرفته است. تاج با توجه به ابعاد بسیار بزرگش و فراوانی مواد فرهنگی به دست آمده از آن، مهم‌ترین محوطه مربوط به دوره سلوکی-اشکانی شمال شرق شبه‌جزیره عربستان است.

۳- (Jabal Kenzan) از محوطه‌های مهم اشکانی و ساسانی استان شرقی عربستان که در نزدیکی شهر هفوف واقع شده است.

۴- (Tarut)، (Al-Khobar) از محوطه‌های مهم کاوش شده مربوط به دوره پارت و ساسانی در شرق عربستان.

مسی و نقره‌ای این پادشاه برای استخدام سربازان بیشتر و پیروزی ارتشش در این ناحیه باشد (Potts & Gribb 1995: 138).

برای وجود سکه‌های ساسانی در این منطقه می‌توان دلایل زیادی ارائه کرد. بیشتر نویسندگان شیوه حکومت ساسانی را با شیوه حکومت عثمانی‌ها و پرتغالی‌ها مشابه می‌دانند؛ ایجاد پادگان‌های نظامی که سربازان ساسانی در آنها اقامت داشتند. فهرستی از ایالت‌های دوره ساسانی در تاریخ ارمنستان که توسط موسی خورنی نوشته شده آورده شده که تصور می‌شود موقعیت این ایالت‌ها را در اواخر دوره ساسانی نشان داده است، از جمله به ۵ مرکز اداری در این ناحیه اشاره می‌کند. حجر<sup>۱</sup> که ما می‌توانیم آنرا با هفوف یکی بدانیم، "Paniat-Ršir" که احتمالاً ناحیه قطیف است، در<sup>۲</sup> که یک جزیره در دریاست، که می‌تواند احتمالاً تاروت باشد (اصطلاحی که بدون شک مربوط به این جزیره است به خاطر شهر بزرگ دارین که از این نام برگرفته شده است). ماسماهیک<sup>۳</sup> که جزیره محرق در مجمع‌الجزایر بحرین است، و مائون<sup>۴</sup> که احتمالاً عمان است. علاوه بر این بخش‌ها، کلیساهای نسطوری که هم در شمال شرق و هم جنوب شرق عربستان بودند نیز تحت اداره شهر بزرگ ریو اردشیر در استان فارس بودند. بنابراین سکه‌های ساسانی که وارد این ناحیه شده‌اند، عمدتاً توسط سربازانی که در اینجا مستقر بودند و آنها را به عنوان دستمزد دریافت کرده‌اند، آورده شده‌اند (Potts & Gribb, 1995: 136). به هر حال باید به خاطر داشته باشیم، همانطور که گوبل تأکید کرده، با پیروزی ایرانیان در این ناحیه شمار فراوانی درهم‌های ساسانی از جاهای مختلف به دست عرب‌ها رسیده است.

---

1- Hajar

2- Der

3- Masmahik

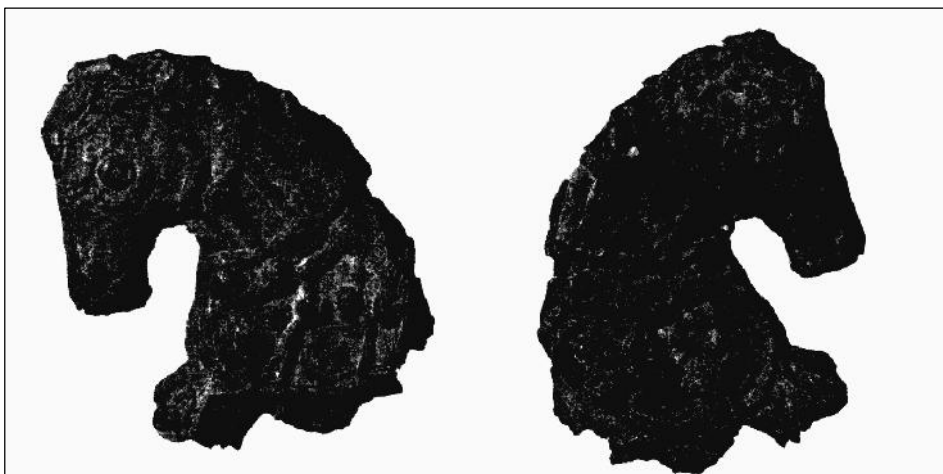
4- Maun

جدول ۱. پراکندگی سکه‌های ساسانی یافت شده در شرق شبه‌جزیره عربستان بر اساس پادشاه (برگرفته از: Potts & Gribb 1995: 135).

محوطه	اردشیر (۲۳۴-۲۴۰)	شاپور اول (۲۴۰-۲۷۰)	شاپور دوم (۳۰۹-۳۷۹)	یزدگرد دوم (۴۳۸-۴۵۷)	قباد اول (۴۹۸-۵۳۱)	هرمز چهارم (۵۷۹-۵۹۰)	خسرو دوم (۵۹۰-۶۲۸)	یزدگرد سوم (۶۳۲-۶۵۱)
تاج	۲							
جبل بری			۹		۱			
تاروت						۱	۱۱	۱
الخبوبار			۲					
الركاه					۱		۴	
جبل کِنِزَان		۱	۷	۱				
هفوف			۱					
قله	۱		۱					
تل ابراک			۱					
سینا						۱	۵	
جمع	۳	۱	۲۱	۱	۲	۲	۲۰	۱

### پیکرک فلزی

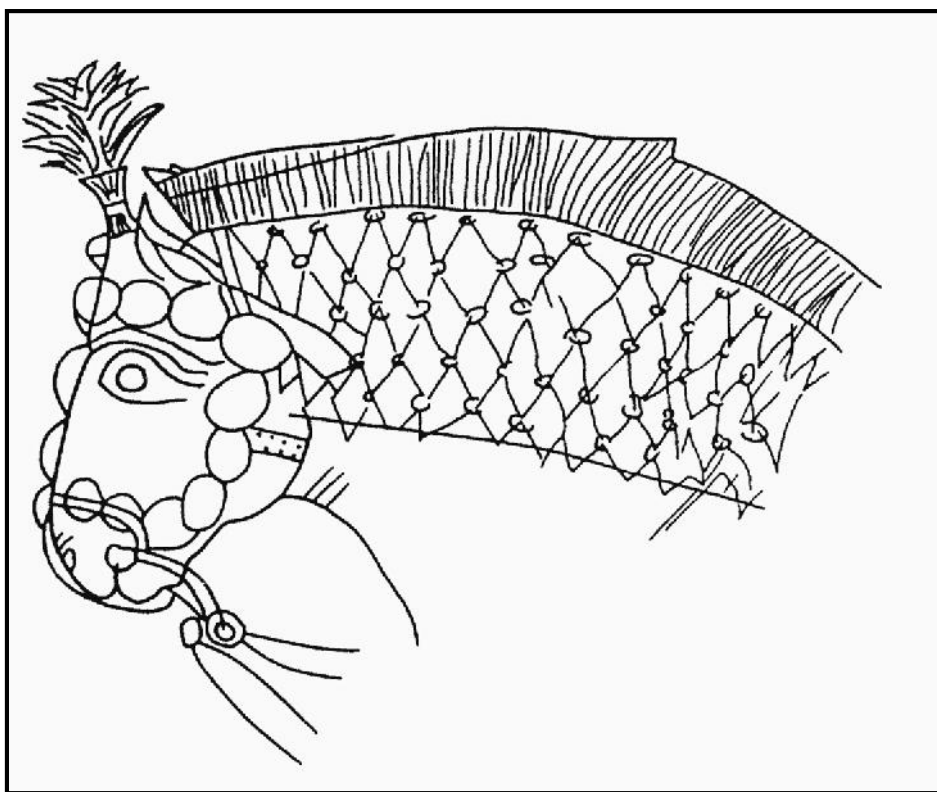
در اواسط سال ۱۹۸۰ قطعه‌ای از یک اسب ریخته‌گری شده از سطح محوطه‌ای در نزدیکی پالایشگاه نفت-گاز (GOSP) ۲ در حوالی شمال غرب واحه قَطیف در شمال شرق عربستان سعودی به دست آمد. تنها سر، گردن، قفسه سینه، و بخش بالایی پاهای حیوان سالم باقی مانده بود. وزن این قطعه ۴.۴۸ گرم و طولش از قسمت سر تا شکستگی سینه حدود ۲.۵ سانتیمتر است. این قطعه شامل یک صفحه صاف سربی با ضخامت متغیر در قسمت‌های مختلف است که این به خاطر وجود برجستگی در قالب آن است (Potts, 1993: 197).



تصویر ۱. پیکرک فلزی به دست آمده از قطیف، عربستان سعودی (برگرفته از: Potts, 1993: fig. 2, 3)

از هزارهٔ دوم به این سو قالب‌گیری پیکره‌ها و دیگر اشیای کوچک از سرب در قالبهای سنگی در بسیاری از نقاط آسیای غربی شامل، آناتولی، سوریه و بین‌النهرین به سرعت رواج یافت (Moorey 1985: 123). شکل کلی سر اسب و تجهیزات آن یک شکل استاندارد از سواره نظامان ساسانی است و در حال حاضر نشان می‌دهد که این اسب منتسب به دورهٔ ساسانی است و ساخت خود محل نبوده است. تجهیزات مربوط به اسب سوار در نقوش برجسته‌ها و ظروف نقرهٔ تزئین شده با صحنه‌های شکار مربوط به پادشاهان مختلف ساسانی به خوبی شناخته شده است. دو اسب سوار معرفی شده به طور اخص برای مطالعهٔ اسب قطیف بسیار مناسب هستند (Potts, 1993: 193).

طرح اسب ساسانی به همراه سوارش بر روی پنجرهٔ جنوبی در دیوار غربی اندرونی تخت جمشید، نشان دهندهٔ گردن اسب به همراه تجهیزاتش است که ترکیبی از خطوط به هم پیوسته به شکل لوزی است که دایره‌هایی در محل اتصال این لوزی‌ها دیده می‌شود. در اسب یافت شده از قطیف نیز می‌توان تجهیزاتی مشابه به تجهیزات اسب تخت جمشید دید. در گردن این اسب نیز افساری دیده می‌شود که اشیایی دایره شکل از بندهای چرمی تجهیزات آن آویزان است که یک دایرهٔ خالی بین آنهاست. اسب دیگری که قابل مقایسه با اسب قطیف است، نقش برجسته اسب‌سوار در انتهای غار بزرگ تاق بستان است. این نقش برجسته احتمالاً مربوط به خسرو دوم (۶۲۸-۵۹۱) است. اشیای آویزان در زره اسب خسرو مشابه به اشیای گرد آویزان از زره قطیف هستند (Ibid: 195).



تصویر ۲. طرح اسب ساسانی بر روی پنجره جنوبی دیوار غربی اندرونی تخت جمشید  
(برگرفته از: Potts, 1993: fig. 4)

اما این قطعه چگونه به قطیف رسیده است؟ بی شک در دوره ساسانی بین شمال شرق عربستان و ساسانیان ارتباطات بسیار نزدیکی وجود داشته است به خصوص از زمانی که بحرین به یکی از استانهای ساسانی تبدیل شد. چنانکه طبری اشاره کرده که شاپور برای سرکوب اعراب بدوی ساکن در سواحل جنوبی خلیج فارس که دائم به ایران حمله می کردند به بحرین و سواحل جنوبی خلیج فارس حمله کرد و اعراب ساکن این منطقه را سرکوب کرد (طبری، ۱۳۸۴: ۱۲۷). البته وجود تجارت بین این منطقه و ایران از طریق خلیج فارس نیز امکان دارد موجب صدور کالاها به این منطقه شده باشد. پاتس معتقد است که احتمال دارد این شیء طی یک هجوم ناگهانی اعراب به سواحل ایرانی به غنیمت گرفته شده باشد (Potts, 1993: 197).



بنابراین اگرچه این اسب فلزی منشأیی ساسانی دارد اما ممکن است به شکل غیر مستقیم و از طریق لخمی‌ها که خراج‌گزار ساسانی‌ها بودند به شمال شرق عربستان صادر شده باشد. درحالی‌که زره اسب به دست آمده از قطیف مشابه زره اسبهای به دست آمده از تاق بستان و نقش تخت جمشید است، مشابهی در عربستان ندارد.

### شیشه

طی کاوش‌های و بررسی‌هایی که طی چند دهه اخیر در سواحل جنوبی خلیج فارس انجام شده، شمار زیادی شیشه ساسانی به دست آمده است. طی بررسی‌هایی که دکاردی در جزیره الغنم در شبه جزیره مسندم در کشور عمان انجام داد، دو تکه شیشه تراش‌دار ساسانی مربوط به اوایل ساسانی از سطح یکی از محوطه‌های ساسانی به دست آورد (decardi et al. 1975: 32). یک کاسه تراش‌دار مربوط به قرن پنجم میلادی نیز از یک گور ساسانی در نزدیکی دهران در عربستان به دست آمد (zarins et al. 1984: 42, pl. L; 10)، کاسه‌های مشابهی نیز از گورهای بحرین به دست آمده است (Andersen, 2002). علاوه بر آن شماری ظرف شیشه‌ای در قالب دمیده نیز از گور کاوش شده در سار یافت شد (بنگرید به: Vine, 1988: 44).

یک پارچ کوچک بسیار ظریف به رنگ کرم که یک لایه‌ی نازک سبز رنگ سطح آن را پوشانده، از دهران در شرق عربستان از گوری تومولوس شکل به دست آمد. دسته این ظرف از چندین رشته شیشه که به بدنه ظرف اضافه شده، ساخته شده است. این روشی است که در اواخر دوره پارسی و اوایل دوره ساسانی (۲۵۶-۱۰۰ میلادی) در دورارپوس رایج بود. چنین دسته‌هایی از بسترهای باستان‌شناختی مربوط به دوره رومی در سواحل مدیترانه نیز یافت شده است. تکنیک‌های به کار رفته در تزئین این ظرف نه تنها مشابه به ظروف شیشه‌ای رومی است، بلکه این گونه تزئین روی ظروف شیشه‌ای ساخته شده در سوریه در قرن سوم و چهارم میلادی نیز دیده می‌شود. به همراه این ظروف شمار زیادی سفال لعاب‌دار مربوط به اواخر دوره پارسی نیز به دست آمده است (Potts, 1984: 110). از کالاهای وارداتی به اددور<sup>۱</sup>، اشیای کوچک خمیر شیشه‌ای هستند. کالاها و اشیایی که به فراوانی در بسیاری از محوطه‌ها از شرق مدیترانه تا آسیای مرکزی دیده می‌شود. از این گروه می‌توان به شمار فراوانی مهره، به خصوص مهره‌های خمیر شیشه لعاب‌دار در اشکال مختلف اشاره کرد (به

۱- اددور (ed-Dur) (امارت ام‌القوین، امارات متحده عربی) یکی از بزرگ‌ترین و به احتمال زیاد تنها محوطه ساحلی بین قطر و تنگه هرمز در اواخر دهه‌های قرن اول پیش از میلاد و قرن اول میلادی بوده است. این محوطه در جنوب شرق سواحل عربی خلیج فارس و تقریباً ۱۲۰ کیلومتری تنگه هرمز واقع شده است.

شکل آتشدان، دستهای مشت شده، انگور و هندوانه). همچنین دستبندها، گوشواره‌ها و انگشترهای فلزی نیز وجود داشته‌اند (Haerinck, 2001: 204).

از ملیحا<sup>۱</sup> نیز شمار زیادی ظروف شیشه‌ای به دست آمده که قابل مقایسه با ظروف شیشه‌ای بین‌النهرین و جنوب غرب ایران هستند. این ظروف عمدتاً از قلعه ملیحا یافت شده‌اند. ظروف شیشه‌ای یافت شده در قلعه عمدتاً مربوط به کاسه‌هایی با بدنهٔ محدب و یک لبهٔ گردشده‌ی ضخیم است، بطری‌های کوچک دسته‌دار نیز در میان نمونه‌ها دیده می‌شود (Benoist et al. 2003: fig. 2). (21-22). اشکالی مشابه با این گونه از اددور نیز به دست آمده است (Boucharlat et al. 1989: 37 fig. AD: 8, 49 fig. AJ: 17-22) در عمان نیز هم‌زمان با دورهٔ ساسانی این گونه به دست آمده است. این ظروف شیشه‌ای مشابه به نمونه‌های به دست آمده از محوطه‌های شناخته شده در بین‌النهرین شامل: اوروک، کیش، نینوا، آشور، بابل، تیسفون و تل‌ماحوزند که تأثیر گرفته از سنتهای تولید شیشه در سوریه و فلسطین هستند (Boucharlat et al. 1989: 45).

از سوهار<sup>۲</sup> نیز شماری شیشهٔ مربوط به دورهٔ اشکانی و ساسانی به دست آمده است. این شیشه‌ها از قلعه، بخش اصلی شهر و خندق دور شهر یافت شده‌اند. سه قطعه از شیشه‌های به دست آمده مربوط به پیش از اسلام هستند و شامل لیوان‌های بلند با قطر دهانه‌ی بین ۸ تا ۱۹ سانتی‌متراند. کف این لیوان‌ها تا حدودی تخت است و از نظر شکل با لیوان‌های مربوط به دورهٔ اسلامی که در قرن ۸ تا ۱۰ رایجند، زیاد تفاوت ندارند. در نزدیکی لبهٔ یکی از لیوان‌ها یک نوار برجستهٔ تزئینی با مقطع گرد ایجاد شده است. این شیشه به همراه مواد فرهنگی مربوط به قرن سوم میلادی یافت شده و از نظر شکل مشابه به نمونه‌های یافت شده از آکسوم در اتیوپی است. یک مدال شیشه‌ای نیز از سوهار به دست آمد. مدال شیشه‌ای یافت شده نیز مشابه به طرحهای تزئینی به کار رفته روی سفالهای به دست آمده از اوایل دورهٔ ساسانی است. این مدال احتمالاً مربوط به تزئینات ظرفی شیشه‌ای بوده که به دیوارهٔ آن افزوده می‌شده است. این قطعه در قالب ساخته شده و سپس به بدنهٔ ظرف متصل می‌شده است (Morrison, 2004: 373).

شیشه‌های ساسانی نه تنها از شرق و جنوب شرق شبه‌جزیرهٔ عربستان، بلکه از جنوب شبه‌جزیرهٔ عربستان نیز به دست آمده‌اند. برای مثال در سال ۱۹۷۷ یک کاسه‌ی شیشه‌ای تراش‌دار از ناحیهٔ

۱- ملیحا (Mleiha) مهم‌ترین محوطهٔ مربوط به دورهٔ سلوکی و اشکانی در پس‌کرانه‌های خلیج فارس در امارات متحدهٔ عربی ملیحا است. این محوطه در حدود ۲۰ کیلومتری جنوب شهر الزیاد ۱ و ۷۵ کیلومتری جنوب شرق شارجه قرار گرفته است (Jasim, 2001: 103).

۲ سوهار (Suhar)، سوهار یکی از مهم‌ترین محوطه‌های دورهٔ اشکانی و ساسانی در سواحل عمان، حدود ۲۰۰ کیلومتری شمال مسقط و ۲۰۰ کیلومتری جنوب دبی قرار گرفته است.

جاف در یمن به دست آمد. این کاسه تقریباً سالم بود به جز بخش کوچکی از آن که در نتیجه تماس طولانی مدت با یک ظرف مسی که به شدت فرسوده و زنگار گرفته بود، به رنگ سبز درآمده بود. رنگ خمیره آن نیمه شفاف با ته رنگ قهوه‌ای است. قطر دهانه این کاسه بین ۲۰.۹ تا ۲۱.۲ سانتی‌متر، ارتفاع آن ۵.۶ سانتی‌متر، ضخامت لبه آن ۰.۷ سانتی‌متر و ضخامت کف آن ۱.۶ سانتی‌متر است. سطح خارجی این کاسه با چهار ردیف برش گرد با تراش صیقلی تزئین شده است. هر تراش ۲.۳ تا ۲.۷ سانتی‌متر عرض و ۰.۲ سانتی‌متر عمق دارد. عمق کم کاسه و عدم وجود شیار روی لبه نشان می‌دهد که این کاسه در یک قالب باز ساخته شده است. در ابتدا این کاسه به قرن دوم یا سوم میلادی تاریخ‌گذاری شده بود و محل ساخت آن اسکندریه ذکر شده بود اما سیمپسون (Simpson, 2007: 71) و نگروپونزی (1996: 107, no. 349) این کاسه را مربوط به امپراطوری ساسانی می‌دانند.

این کاسه مشخصاً مربوط به طبقه با دیواره ضخیم تراش‌دار ساسانی است. نمونه‌هایی از این گونه شیشه‌ها از محوطه‌های ساسانی بین‌النهرین، عمدتاً از کیش (Harden, 1934: fig. 4: 6) و نینوا (Simpson, 1996: 96, 125, fig. 2:2; 2003a) به دست آمده است. این قطعات متعلق به کاسه‌هایی به قطر ۲۱ تا ۲۳ و ارتفاع تقریباً ۵ سانتی‌متر با تزئینات تراش‌دار صیقلی هستند. بستر باستان‌شناختی دو قطعه شیشه به دست آمده از نینوا با توجه به اینکه در قرن ۱۹ کاوش شده است مشخص نیست اما تکه شیشه به دست آمده از کیش مربوط به لایه‌های ساسانی است. این مدارک نشان می‌دهد که ظروف شیشه‌ای دوره ساسانی به همراه کالاهای دیگر از طریق کشتی به سواحل جنوبی خلیج فارس منتقل می‌شده است.

### مهره و مهر

یکی از مهمترین اشیای کوچک تزئینی دوره ساسانی که نمونه‌های فراوانی از آنها از مناطق مختلف امپراطوری ساسانی به دست آمده، مهره‌ها هستند. مهره‌های اندکی تاکنون از لایه‌های استقرار در مراکز شهری ساسانی به دست آمده و تاکنون تنها از مرو، مجموعه مذهبی تخت سلیمان و محوطه استقرار کوچک در کوش این مهره‌ها گزارش شده‌اند. این مهره‌ها از جنس عقیق، عقیق سرخ، و شیشه هستند. شمار اندکی مهره‌های عقیق، عقیق سرخ، صدف و شیشه نیز از تپه یحیی گزارش شده است (Lamberg-Karlovsky, 1970: pl. 8). بر خلاف محوطه‌های استقرار از گورستانهای مربوط به دوره ساسانی شمار زیادی مهره از جنسهای مختلف به دست آمده است. برای مثال از بین‌النهرین از حدود ۴۰ محوطه این مهره‌ها به دست آمده‌اند که از مهمترین آنها می‌توان به تل ماحوز، تل محمد عرب و وارکا اشاره کرد. برای مثال از ۷۵ گوری که در تل محمد کاوش شده‌اند

۲۰ درصد آنها حاوی مهره‌های مختلف بودند. بیشتر این مهره‌ها از جنس شیشه در رنگهای مختلف سبز و زرد بودند. پس از شیشه بیشتر مهره‌ها از جنس صدف بودند. مهره‌های از جنس عقیق و عقیق سرخ نیز در بین نمونه‌ها دیده می‌شود که اغلب به شکل کروی، تخت، مخروطی هستند (Simpson, 2003: 62).

در کاوشهای هفتاد تپه در یکی از گورهایی که مربوط به دوره ساسانی بود شمار فراوانی مهره‌های از جنس شیشه به دست آمد که به شکل دو گردن‌بند بودند. یکی از گردن‌بندها سی و سه مهره به رنگ سبز و دیگری ۱۱۴ مهره به رنگهای سیاه، آبی، سفید، زرد، سبز و سبز زیتونی داشتند (Burney, 1970: 171, pl. VIIc).

از عقیق سرخ در دوره ساسانی بیشتر برای ساخت مهر استفاده می‌شد، هرچند شمار زیادی مهره نیز از عقیق سرخ ساخته می‌شد. در کاوش‌های انجام گرفته در گورستانهای وارکا و تل محمد عرب در بین‌النهرین به ترتیب دومین و سومین مجموعه مهره‌های یافت شده از این گونه بوده‌اند. عقیق سرخ یافت شده در این گورستانها هم به شکل ساده بود و هم تزئین شده. مهره‌های عقیق سرخ ساده علاوه بر آن از گورهای ساسانی در بابل، تل ماحوز، نیپور، نوزی و یاریم تپه به دست آمده است (Simpson, 2003: 64).

پراکندگی منابع عقیق سرخ نشان می‌دهد که احتمالاً باید چند کارگاه در ایران و آسیای میانه وجود داشته باشد. با یافت شدن قطعات دور ریز سنگ عقیق سرخ که در سه مرکز شهری مربوط به دوره ساسانی - اسلامی از شمال و جنوب ایران یافت شده، این مسأله تأیید می‌شود، این کارگاه‌ها در نیشابور، ریشهر و سیراف یافت شده‌اند. کارگاه یافت شده در ریشهر احتمالاً از سنگهای محلی که در شبه جزیره بوشهر وجود دارد استفاده می‌کرده است (Whitehouse, 1975). بنابراین ممکن است که مهره‌های عقیق ساخته شده در این مراکز شهری به دیگر مراکز شهری و استقرار دوره ساسانی صادر شده باشند.

مهره‌های عقیق سرخ قلمزنی شده یکی از شاخص‌ترین مهره‌هایی است که در محوطه‌های ساسانی یافت می‌شود. بر اساس تکنیک ساخت، سه گونه تزئین که عمدتاً به شکل نقوش هستند را روی مهره‌های عقیق سرخ می‌توان مشاهده کرد. رایجترین تزئین، ایجاد نقوش سفید روی زمینه قرمز است، نقوش سیاه روی سفید کمتر متداول است و نقوش سیاه روی قرمز بسیار محدود است (De Waele, 2006: 32).

گونه اول بیشتر به شکل کروی، بشکه‌ای و تخت دیده می‌شوند که به رنگ قرمز - یا گاهی سیاه - هستند که با خطوط سفید رنگ یا دیگر نقوش هندسی تزئین شده‌اند. گونه دوم به شکل تقریباً کروی یا تخت هستند و اندازه آنها بین ۰.۵ تا ۲.۱ سانتیمتر است. گونه سوم کیفیت ساخت پائین - تری نسبت به دو گونه قبل دارد. از گونه سوم شمار زیادی در کاوش‌های باستان‌شناختی در

محوطه‌های ساسانی به دست آمده است. برای مثال از تل محمد عرب ۵۲ مهره از پنج گور، و شماری نیز از تل شیخ هومسی در بالادست رود دجله، تل ماحوز، نینوا و تل تایا به دست آمده است (Simpson, 2003: 65).

پراکندگی این گونه مهره‌ها تنها محدود به امپراطوری ساسانی نیست بلکه شماری از این مهره‌ها از شبه‌جزیره هند نیز به دست آمده است، هرچند بیشتر محققان مهره‌های به دست آمده از هند را از گونه‌های یک و دو می‌دانند ولی با این حال نمونه‌هایی نیز از این گونه از برهمن آباد و رتنگ محل به دست آمده است. از این گونه همچنین شمار فراوانی از مرو و نمونه‌هایی نیز از افراسیاب، کیرکاتا و کفیرکالا و مونچاک تپه گزارش شده است (Simpson, 2003: 66). در جنوب شرق عربستان یک نمونه در کنار نمونه‌های دیگر مهره از یک گردنبند در گردن یک بچه در یکی از گورهای ناحیه BQ در اد دور (Haerinck, 1994: 190)، و دو نمونه از این گونه مهره‌ها نیز از یک گور ساسانی که در دوره اسلامی دوباره استفاده شده در ذیان (Kastner, 1991: 236, fig. 2a, h) به دست آمده است. علاوه بر آن نمونه‌هایی از این گونه نیز از یمن به دست آمده است. از یکی از گورهای کاوش شده در عمان که مربوط به یک زن و متعلق به اوایل اسلام است، یک مهره قلمزنی شده به همراه شماری مهره ساده (Vine, 1995: 57) و از محوطه ساحلی رأس الحد نیز از این گونه مهره‌ها یافت شده است (Reade, 1989).

وجود تجارت مهره در امپراطوری ساسانی، با توجه به وجود نمونه‌های وارداتی از نوع سنگ لاجورد، عقیق، عقیق سرخ، صدف دریایی و احتمالاً شیشه در محوطه‌هایی مثل تل محمد عرب، تل ماحوز، تیسفون، کوش و مرو ثابت می‌شود. از این گونه مهره‌ها فقط در گورها و به تعداد اندک به دست آمده است که نشان می‌دهد تجارت آنها به صدور تعداد اندک با قیمت زیاد محدود بوده است. علاوه بر آن وجود این گونه مهره‌ها در دریای سرخ، در بندر پرنیکه، نشان می‌دهد که خلیج فارس بخشی از یک شبکه تجاری در طول دوره ساسانی بوده است، علاوه بر اینکه شماری از این مهره‌ها در محوطه‌های سواحل جنوبی خلیج فارس نیز به دست آمده‌اند. مراکز مهم ساسانی که مهره‌های سنگی یا شیشه‌ای می‌ساخته‌اند هنوز به طور قطع شناخته نشده است و این مسأله نیاز به تحقیقات بیشتر دارد (Simpson, 2003: 68).

مهره‌های ساسانی از شرق و جنوب شرق عربستان نیز به دست آمده است. در کاوشهای انجام گرفته در تاروت در استان شرقی عربستان سعودی دو مهر استامپی ساسانی به دست آمد. اولی به شکل یک صفحه نازک تخت از جنس کوارتز پرتغالی نیمه شفاف است. بر سطح این مهر نقش یک چهارپای (اسب یا گوسفند) ایستاده با پشت گرد شده و دست چپ برآمده نشان داده شده است. مهر دومی از کورانتز به رنگ خاکستری سبز مات ساخته شده است. این مهر به شکل نیم کروی

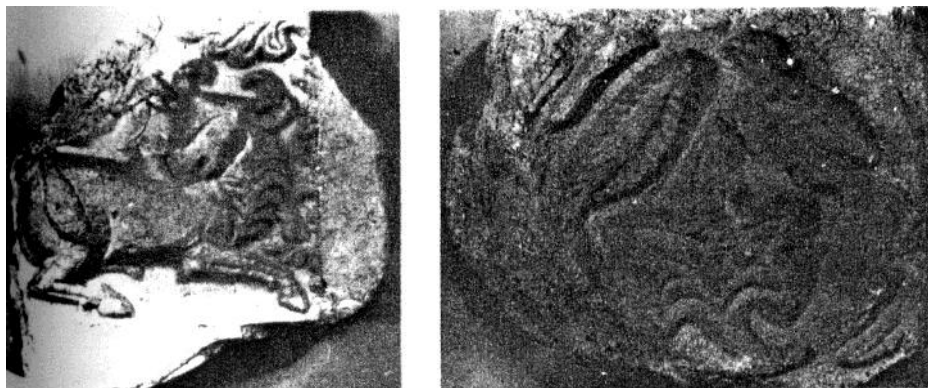
است و یک سوراخ در مرکز آن ایجاد شده است. بر سطح آن یک خرگوش در حال جهش با گوشهای تیز، پشت گرد، دم کوتاه حک شده که پای پشتی آن خمیده است (Potts, 1990: 215).



تصویر ۳. نمونه‌ای از مهرهای ساسانی به دست آمده از شرق عربستان (برگرفته از: Potts, 1990: 139)

### تزئینات گچبری

طی کاوش‌های تاروت در عربستان دو قطعه گچبری کاملاً مشابه به نمونه‌های ساسانی به دست آمد. اولی بخشی از یک برگ محدب شکل، یک گل زنبق پنج برگ بزرگ و یک پرندۀ در حال پرواز را با برش عمودی نشان می‌دهد. این قطعه از بالا ۱۷.۵ سانتی‌متر پهنا دارد و بیشترین ارتفاعش ۱۷ سانتی‌متر است. قطعه دوم ۱.۵ سانتی‌متر ضخامت دارد و پهنایش در قسمت بالا ۲۱.۵ و در پایین ۱۹ سانتی‌متر است. این قطعه با یک قوچ نشسته تزئین شده است. سر این قوچ به پشت برگشته و شاخهایی کوتاه و خمیده دارد. بقایای تزئیناتی به شکل گل روی سر این قوچ دیده می‌شود. تمامی بدن این قوچ در یک قابی قرار گرفته که خطوط عمودی به سمت راست و زیر آن دیده می‌شود و نشان می‌دهد که این قطعه مربوط به یک صحنۀ بزرگی است که به سمت چپ ادامه پیدا می‌کرده است. گچبری‌های مشابه با این گچبری‌ها را می‌توان در کاخهای ساسانی کیش، تیسفون و چال ترخان دید (Potts, 1990: 216).



تصویر ۴. نمونه‌ای از گچبری‌های ساسانی به دست آمده از شرق عربستان (برگرفته از: Potts, 1990: 139)

### بحث

این مسأله که چرا ساسانیان به این منطقه علاقه داشتند هنوز مشخص نیست. اشاره شده است که کنترل تجارت دریایی و نیاز برای جلوگیری از استفاده از شرق عربستان به عنوان یک جاده آزاد مالیاتی از میان صحرا به مدیترانه و سوریه محرکها و عوامل این علاقه بوده‌اند، اما ممکن است به خاطر رقابت با بیزانس و نیاز به دفاع از مرزهای شرقی بین‌النهرین، این منطقه اهمیت کلیدی داشته است. کینت اعتقاد دارد علایق اقتصادی اواخر دوره ساسانی در عمان در اصل در ارتباط با منابع و تولیدات بوده تا تجارت (Kennet, 2007: 89).

نکته دیگر که باید به آن اشاره شود این است که مطالعه مواد فرهنگی و دیگر شواهد باستان-شناختی به دست آمده از محوطه‌های شرق و جنوب شرق عربستان نشان می‌دهد بنادر و مراکز تجاری سواحل جنوبی خلیج فارس، به خصوص در بخش‌های جنوب شرق عربستان در دوره پارتی بسیار پررونق تر بودند. در واقع در دوره سلوکی- پارتی این منطقه دارای رونق و پیشرفت زیادی بوده و پس از این دوره، در دوره ساسانی دچار رکود و افول شده است که در قرن ۴ میلادی این افول به اوج خود می‌رسد. با توجه به اینکه مدارک نوشتاری دوره سلوکی- پارتی بسیار اندک و برعکس در دوره ساسانی شاهد مدارک نوشتاری فراوانی هستیم، این مسأله کمی عجیب است. مدارک نوشتاری و تاریخی وجود فعالیت‌های فراوان دوره ساسانی در این ناحیه را نشان می‌دهد.

این مسأله شاید ناشی از انجام محدود برنامه‌های میدانی، یا ناتوانی باستان‌شناسان در شناسایی سفال‌های این دوره در بررسی‌ها باشد. به هر حال همانطور که می‌دانیم، کارهای میدانی باستان‌شناختی زیادی هم به شکل بررسی هم به شکل کاوش در این ناحیه انجام شده و مواد

ساسانی فراوانی نیز بر اساس تشخیص باستان‌شناسان به این دوره نسبت داده شده، طبقه‌بندی شده و بحث شده است.

محدودیت مدارک برای استقرارها و فعالیتهای دوره ساسانی در این ناحیه درست برعکس دوره پارتی است که مدارک و شواهد بسیار زیادی داریم. پاتس در بازبینی مجددش در سال ۱۹۹۶ اشاره به شمار فراوانی محوطه‌های پارتی در شمال شرق عربستان دارد و اعتقاد دارد در هیچ دوره‌ای تراکم استقرار به این اندازه نبوده است (Potts, 1996). همین تصویر از فعالیت‌های شدید، استقرارهای فشرده و رشد فعالیتهای اقتصادی در دیگر نقاط عربستان شرقی نیز دیده می‌شود که شامل محوطه‌های بزرگ، گورستانها، روستاهای کوچک یا سکه می‌شوند.

کینت (108: 2007) معتقد است علت این افول مربوط به کاهش تجارت بین خلیج فارس، دریای سرخ و اقیانوس هند است. او معتقد است کاهش تجارت بین خلیج فارس و این نواحی که از قرن اول میلادی شروع شد، در قرن سوم میلادی به اوج خود می‌رسد. این مسأله احتمالاً یکی از عوامل مهم افول محوطه‌ها در دوره ساسانی در عربستان شرقی است. چنانکه در همین زمان محوطه‌های تجاری مرزهای غربی ایران و شرقی روم مثل هاترا، پالمیر و دوراروپوس نیز کم با کم شدن دادوستد با روم اهمیت خود را از دست داده و متروکه شده‌اند.

افول محوطه‌هایی مثل خورروری در عمان و قانا در یمن در بخش‌های جنوبی عربستان نیز مربوط به همین مسأله است (Ibid).

هرینک راه‌های تجاری دریایی و زمینی را در ارتباط با تغییرات شبکه‌های تجاری مدیترانه بین قرن سوم پ.م تا دوره ساسانی ارائه کرده. چنانکه از نظر او در قرن اول میلادی تجارت دریایی گسترش پیدا می‌کند و در قرن دوم میلادی دوباره راه‌های زمینی جانشین راه‌های دریایی می‌شوند و این مسأله موجب افول محوطه‌هایی مثل اددور شده است (Haerinck, 1998: 301). هرچند مدل ارائه شده توسط هرینک نسبتاً جالب است اما روشن نیست که چنین پیشرفت و گسترشی چگونه رخ داده و مدارکی که مدل هرینک را تقویت می‌کنند هنوز بسیار اندک هستند.

کینت در ارتباط با افول عربستان شرقی در دوره ساسانی اشاره می‌کند، اگر کاهش ارتباطات اقتصادی با مدیترانه کاهش محوطه‌های دوره ساسانی عربستان شرقی را توضیح ندهد، ممکن است عوامل طبیعی مانند کاهش میزان رطوبت و نزولات جوی، اقتصاد منطقه را تخریب کرده است. هرچند هیچ مدرک محکمی برای اثبات یا رد چنین فرضیه‌ای وجود ندارد (Kennet, 2007: 110). لارسن معتقد است عوامل محیطی موجب رکود کشاورزی در طول هزاره اول میلادی در بحرین شده است (Ibid). در حالیکه در این دوره در مناطق همجوار شاهد رشد قابل ملاحظه تولیدات کشاورزی و تعداد محوطه‌ها هستیم. برای مثال آدامز معتقد است که در دوره ساسانی جنوب بین-



النهرین پیشرفت فراوانی در کشاورزی کرده و تراکم محوطه‌ها بسیار زیاد شده است (Adams, 1965: 69-83). این مسأله در خوزستان نیز دیده می‌شود. ونکه معتقد است به دلیل افزایش باروری زمینهای کشاورزی، که به دنبال سرمایه‌گذاری دولت بود، جمعیت در دشت خوزستان به خصوص شهرهای ایوان کرخه، جندی‌شاپور و شوشتر افزایش پیدا کرده است (ونکه، ۱۳۸۱: ۵۱۰).

برخلاف کینت که معتقد است در دوره ساسانی تجارت محوطه‌های سواحل جنوبی خلیج فارس با دیگر نقاط کاهش پیدا کرده، بنوئیست بر اساس مطالعه مواد فرهنگی به دست آمده از قلعه ملیحا نتایجی دیگر گرفته است. او معتقد است در این دوره تغییرات عمده‌ای در الگوی تجارت رخ داد: مواد هندی، ایرانی و آفریقایی که در دوره‌های قبل اصلاً وجود نداشت اکنون تقریباً ۱۰ درصد از کل مجموعه سفالی قلعه را دربرمی‌گیرد. این سفالها از محوطه‌های متعدد در اطراف خلیج فارس، اقیانوس هند و دریای سرخ دیده شده‌اند. این وضعیت نشان دهنده گسترش تجارت دریایی در طول دوره امپراطوری ساسانی است. این امر به خاطر تأسیس بندر سوهار در سواحل شرقی عمان و شاید شروع استقرار در کوش در سواحل خلیج فارس است (Benoist et al. 2003: 72).

همزمان با دوره ساسانی، محوطه سوهار مهمترین بندر تجاری در اقیانوس هند احتمالاً در پایان قرن دوم یا شروع قرن سوم میلادی شد. در این زمان قلعه واقع در ملیحا ساخته شد. در قرن سوم میلادی مدارک قطعی برای وجود استقرار در ملیحا وجود دارد. اما درکل گونه‌های سفالی که از طریق تجارت دریایی به ملیحا آورده شده در لایه‌های محوطه‌های ساحلی به بین قرن دوم و قرن پنجم میلادی تاریخ‌گذاری شده‌اند. بنابراین قدیمی‌ترین دوره استقرار در قلعه مربوط به پایان قرن دوم میلادی اما با اطمینان بیشتر متعلق به قرن سوم میلادی است، که بدون تردید این استقرار حداقل تا قرن چهارم میلادی ادامه داشته است (Benoist et al. 2003: 72).

اما یکی از دلایل مهم افول بنادر جنوبی خلیج فارس در دوره ساسانی را می‌توان به این دلیل دانست که در این دوره مراکز مهم تجاری و اقتصادی خلیج فارس در سواحل شمالی به سواحل فارس منتقل شد و در این دوره سیراف، ریشهر، مهروبان و ابله مهمترین مراکز تجاری ساسانیان شدند. یکی از مهمترین دلایل این تغییر مراکز تجاری، انتقال قدرت به فارس و خوزستان در دوره ساسانی است. مهمترین مراکز حکومتی در این دوره در دو استان فارس و خوزستان و بین‌النهرین قرار داشتند.

با توجه به اهمیت تجارت و جاده‌های تجاری ایالت پارس، روابط سیاسی کشور با امپراطوری‌ها و ملل همسایه به موقعیت این ایالت تکیه داشت. حجم زیادی از کالاها در تجارت شرق- غرب از طریق چندین جاده مبادله می‌شد. این جاده‌ها راه‌های ارتباطی مهمی برای بازرگانی بودند و وقتی یکی بسته می‌شد، دیگری ممکن بود این وظیفه را به عهده گیرد. این امر کاهش حجم تجارت در یک جاده و شاید افزایش اهمیت سایر راه‌ها را به همراه داشت. علاوه بر مسیر دریایی دریای سرخ،

جاده‌های اصلی در شرق عبارت بودند از: ۱. جاده مشهور ابریشم که از چین به ناحیه مدیترانه می‌رفت ۲. جاده‌ی کاروان‌رو که از بیابان به عراق می‌آمد و از طریق سواحل خلیج فارس به شرق می‌رفت ۳. مسیر دریایی که کالاهای شرق را از خلیج فارس به دریای عربی، هندوستان، شرق آفریقا و سپس آسیای شرقی منتقل می‌کرد (دریایی، ۱۳۸۶: ۱۰۰).

به این ترتیب حضور قدرتمند ایرانیان در خلیج فارس صرفاً نه یک پیشامد، بلکه در نتیجه رقابت و سیطره بر بازار بوده است. با این همه، گمان نمی‌رود که این نظارت و سیطره با لشگرکشی حکومت ساسانی و با حمایت سپاه صورت گرفته باشد. در واقع چنانکه گفته شد، شواهد اندکی از حضور نظامی ساسانیان در خلیج فارس یا ماورای آن وجود دارد. اگرچه برخی از دانشمندان معتقدند که دستگاه حکومتی اختیار تجارت را در دست داشته است، شواهد فراوانی در این باره وجود ندارد. در دوره ساسانی نه تنها گردش اقتصادی به طور عمده در دست مردم بود، بلکه ظاهراً اقتصاد نیز در تملک مردم بود نه در اختیار حکومت. ممکن است حکومت ساسانی پاسداری از جاده‌ها و راه‌های آبی را برای امن کردن آنها بر عهده داشته، اما هیچ مدرک قطعی وجود ندارد که از حضور نیروی دریایی ساسانیان در خلیج فارس یا اقدامات آنان در گشودن بازارهای شرق خبر دهد. تا وقتی چنین مدارکی در اختیار نداریم، باید چنین فرض کنیم که ساسانیان بر تجارت خلیج فارس تسلط داشتند، ولی بخش خصوصی گرداننده واقعی آن بوده است؛ بخشی که بازرگانان اقتصاد را در اختیار داشته‌اند نه نیروی نظامی (دریایی، ۱۳۸۶: ۱۱۳).

### نتیجه‌گیری

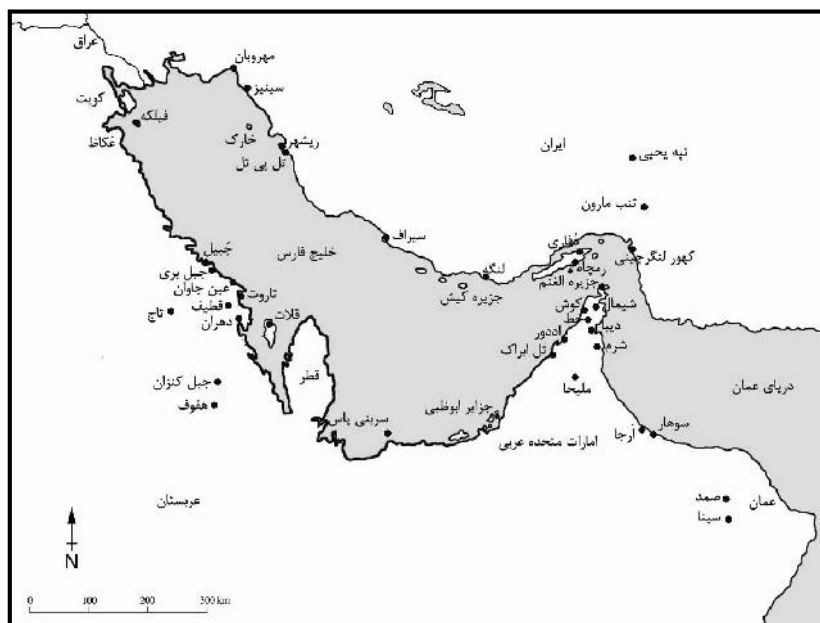
همانگونه که می‌دانیم، ایرانیان از دیرباز در شکل‌گیری و توسعه تجارت دریایی خلیج فارس نقشی اساسی داشته‌اند. این حضور به ویژه در دوران تاریخی بسیار تأثیر گذار بوده است. مدارک باستان‌شناختی و منابع مکتوب نشان از حضور ایلامی‌ها، هخامنشیان، و سلوکی‌ها در بازرگانی دریایی خلیج فارس دارند. این روند در دوره پارت و به خصوص دوره ساسانی به اوج شکوفایی خود می‌رسد. گواه این ادعا داده‌های باستان‌شناختی به دست آمده از محوطه‌های ساحلی خلیج فارس است. در پژوهش حاضر برای اثبات تسلط ساسانیان بر سواحل جنوبی خلیج فارس، داده‌ها و مدارک باستان‌شناختی به دست آمده از محوطه‌های سواحل جنوبی خلیج فارس مطالعه شدند.

بر اساس مطالعه مواد فرهنگی به دست آمده از محوطه‌ها و بنادر جنوبی خلیج فارس می‌توان گفت که در دوره اشکانی این دو منطقه تحت کنترل پارت‌ها و یا یکی از فرمانروایان تحت کنترل پارت‌ها (کارمانیا و خراسن) بودند. با توجه به سکه‌های محلی به دست آمده از اددور و ملیحا احتمالاً در مقطعی نیز بخش جنوب شرقی شبه جزیره عربستان دارای استقلال محدود داخلی بوده است. بر خلاف اعتقاد برخی باستان‌شناسان این ناحیه هیچ وقت از نظر سیاسی به طور کامل مستقل نبوده و همانند دیگر فرمانروایان تابع

پارت، خراج‌گزار پارتی‌ها بودند. در دوره ساسانی تمامی مناطق شرقی و جنوب‌شرقی عربستان به شکل یکپارچه تحت کنترل ساسانیان بودند و ساسانیان خود بر این مناطق نظارت کامل داشته‌اند. به همین دلیل در دوره اشکانی و ساسانی برای تسلط کامل و بهتر بر تجارت خلیج فارس و اقیانوس هند چند بندر مهم این دوران در سواحل جنوبی خلیج فارس ایجاد شد. برای مثال می‌توان به بندر ایدور (آمانای باستان) در سواحل امارات در دوره پارتی و سوهار در سواحل عمان اشاره کرد.

حوزه جنوبی خلیج فارس از کویت تا عمان اگر چه دارای هویت و تداوم فرهنگی یکسان است، اما هرگز نتوانسته خود را تا حد یک تمدن با معیارهای تمدنهای همجوار ارتقا دهد و همواره تحت تأثیر این تمدنها بوده. یکی دیگر از اهداف این پژوهش نشان دادن تأثیر و تسلط ایران بر این منطقه و کنترل راه‌ها و مراکز تجاری سراسر خلیج فارس در دوره تاریخی به خصوص دوره پارت و ساسانی است.

با مطالعه‌ی مواد فرهنگی به دست آمده از محوطه‌های ساسانی سواحل جنوبی خلیج فارس، فهم ما از یکپارچگی یا عدم یکپارچگی اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی جوامع قرار گرفته در سواحل شمالی و جنوبی و جزایر خلیج فارس، و چگونگی روابط تجاری آنها با یکدیگر بیشتر می‌شود. در واقع یکی از مشکلات اساسی ما در ارتباط با بازسازی فرهنگی، اقتصادی و تجاری خلیج فارس، نبود مدارک باستان-شناختی و نداشتن داده‌های کافی از کاوش‌های منظم و هدفمند به خصوص در سواحل ایرانی خلیج فارس است. تنها با کاوش و بررسی‌های روشمند می‌توان به چنین اطلاعاتی دست یافت.



شکل ۱. محوطه‌های سواحل جنوبی خلیج فارس که از آنها مواد فرهنگی مربوط به دوره ساسانی به دست آمده است.

## منابع

- خسروزاده، علیرضا(۱۳۹۱)، بنادر و مراکز مهم تجاری و استقراری دوره اشکانی خلیج فارس در منابع کلاسیک، پژوهشنامه خلیج فارس، دفتر چهارم، به کوشش عبدالرسول خیراندیش و مجتبی تبریزنیا، تهران، خانه کتاب: ۳۹-۶۶.
- دریایی، تورج(۱۳۸۶)، "تجارت خلیج فارس در اواخر دوره باستان". ترجمه حسین کیان‌راد، خلیج فارس در حدیث دیگران(مجموعه مقالات)، به کوشش امیر هوشنگ انوری، تهران، بنیاد ایران‌شناسی: ۹۷-۱۲۲.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر(۱۳۸۴)، تاریخ الرسل و الملوك. ترجمه صادق نشأت، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ونکه، رابرت جی(۱۳۸۱)، "غرب ایران در دوره پارت- ساسانی: تغییر شاهنشاهی". باستان‌شناسی غرب ایران، به کوشش فرانک هول، ترجمه زهرا باستی، تهران، سمت.
- Adams, R. 1965. Land Behind Baghdad. A History of Settlement on the Diyala Plains, Chicago.
- Andersen, S. F. 2002. "The Chronology of the Earliest Tylos Period on Bahrain", Arabian Archaeology and epigraphy 13: 234-245.
- Benoist, A., Mouton, M., Schiettecatte, J. 2003. "The Artifacts from the fort at Mleiha: Distribution, origins, trade and dating", Proceeding of the seminar for Arabian Studies 33: 59-76.
- Boucharlat, R., Haerinck, E., Lecomte, O., Potts, D. T., and Stevens, K. G. 1989. "The European archaeological expedition to ed-Dur, Umm al-Qaiwayn (U.A.E): An interim report on the 1987 and 1988 seasons ", Mesopotamia 24: 5-72.
- Burney, C. 1973. "Excavation at Haftavan Tepe 1968: First Preliminary Report", Iran 8: 157-171.
- de Cardi, B., Vita-Finzi, C., & Coles, A. 1975. "Archaeological survey in Northern Oman, 1972", East and west 25: 9-27.
- De Wale, A. 2006. "Etched (Carnelian) beads from northeast and southeast Arabia", Arabian Archaeology and epigraphy 17: 31-40.
- Haerinck, E., 1994. "Excavation at ed-Dur (Umm al-Qaiwain, UAE), preliminary report on the sixth Belgian season (1992)", Arabian archaeology and epigraphy 5: 184-197.
- 1998b. "International contacts in the southern Persian Gulf in the late 1<sup>st</sup> century B.C. /1<sup>st</sup> century A.D.: Numismatic evidence from Ed-Dur (Emirate of Umm Al-Qaiwain. U.A.E)", Iranica Antiqua XXXIII: 273-301.
- 2001. "Internationalization and business in SE-Arabia during the late 1st c. BC/1st c. AD; Archaeological evidence from ed-Dur (Umm al-Qawain, UAE)", Archaeology of the UAE, Abu Dhabi: 196-206.
- Hellyer, P. 1995. "Safavid and Sassanian coins in Fojairah", Tribulus 5: 25.
- Howgego, C. G. & Potts, D. T. 1992. "Greek and Roman coins from Eastern Arabia", Arabian Archaeology and Epigraphy 3: 183-189.
- Kastner, J. M. 1991. "Some preliminary remarks concerning two recently excavated tombs in Dhayah/Ras al-Khaimah", in: Schippman K, Herling A & Salles J.F, (eds.), international Archaeology, Golf-Archaeologie , Mesopotamien , Iran , Kuwait , Bahrain ,

verengte Arabische Emirate und Oman: Internationale Archaologie, bund strep Ublik Deutschland

- Kennet, D. 1997. "Kush: a Sasanian and Islamic-period Archaeological tell in Ras al-Khaimah (U.A.E)", *Arabian Archaeology and epigraphy* 8: 284-302.
- 2004. *Sasanian and Islamic Pottery from Ras al-khaimah: Classification, Chronology and analysis of trade in the western indian Ocean*. Oxford; society for Arabian studies monographs n.1, BAR International series.
- 2007. "The decline of eastern Arabia in the Sasanian period", *Arabian Archaeology and epigraphy* 18: 86-122.
- Lamberg-Karlovsky, C.C. 1970. *Excavations at Tepe Yahya, Iran, 1967-1969*, Cambridge: American School of prehistoric Research Bulletin 27.
- Lowick, N.M. 1985. *the coins and monumental inscriptions(= Siraf XV)*, London: British Institute of Prrsian Studies.
- Moorey, P.R.S. *Materials and Manufacture in Ancient Mesopotamia: The Evidence of Archaeology and Art*. Oxford: BAR Int. Ser. 237.
- Morrison, H. 2004. "The Glass from Suhar, Archaeological Research at Suhar 1980-1986", *The journal of Oman Studies* 13: 373.
- Negroponzi, M. 2002. "The glassware from Seleucia (central Iraq)", *Parthica* 4: 63-156.
- Potts, D.T. 1993. "A Sasanian lead horse from northeastern Arabia", *Iranica antiqua* 28: 193-198.
- 1984. "Northeastern Arabia in the later pre-Islamic Era", in: Boucharla. R and S. Jean-Francois (eds.), *Arabie orientale, Mesopotamie et Iran meridional, de lage du au debut de la period Islamique*, Reacherche sur les civilization momoire 37: 85-144.
- 1996. "The Parthian presence in the Arabian Gulf", in: Reade, J (ed.), *The Indian Ocean in Antiquity*, London: 269-285.
- Potts, D.T. & Gribb, J., 1995. "Sasanian and Arab-Sasanian coins from eastern Arabia", *Iranica Antiqua* 30: 123-137.
- Reade, J. 1989. "On site at the crossroads of the Arabia Sea", *The British Museum society Bulletin* 60 (spring): 21-23.
- Simpson, St. J. 1996. "From Tekrit to the Jaghjagh: Sasanian sites, settlement patterns and material culture in northern Mesopotamia", *Continuity and Change in Northern Mesopotamia from the Hellenistic to the Early Islamic Period*, eds. Bartel, K & Hauser, S. R, Berlin : 87-126.
- 2003. "Sasanian beads: the evidence of art, text and archaeology", *Ornament from the past: Bead studies after Beck*, eds. Glover, I. G., Hughes-Brock, H & j. Henderson, London and Bangkok: 59-78.
- 2007. "From San Marco to South Arabia: observations on Sasanian cut glass", *Facts and Artifacts: Art in the Islamic World. Festschrift for Jens Kr ger on his 65<sup>th</sup> Birthday* (eds. A. Hagedorn & A. Shalem), Leiden: Brill: 59-88.
- Vine, P. 1988. *New Guide to Bahrain* , London.
- Whitehouse, D. 1975. "The Carnelian in the Persian Gulf", *Antiquity* 49: 129-130.
- Zarins, J., Mughannam, A. S., and Kamal, M. 1984. "Excavation at Dhahran South-The Tumuli Field (208-92), 1403 AH/1983. A Preliminary Report", *Atlat*, 8: 25-54.

# SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



نوبت آتومس  
بررسی مقاله ای متون (مقدماتی)

کارگاه آنلاین  
بررسی مقابله ای متون (مقدماتی)



PROPOSAL  
پروپوزال

نوبت آتومس  
پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

کارگاه آنلاین  
پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی



نوبت آتومس  
آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو

کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو